



همراهی ذهنی بیشتری با او دارید؟

من هنوز هم بسیار تحت تأثیر اصغر فرهادی هستم و در واقع شیفته کار او-هم کار کارگردانی و هم نگاهش- هستم. او به عنوان یک کارگردان مؤلف و صاحب نظر و کسی که حرفی برای گفتن دارد و حرف هایش بی حساب و کتاب نیست، خیلی روی من تأثیر گذاشته است. در واقع می شود گفت که اصغر فرهادی، کیانوش عیاری جوان تر ماست. یعنی او سر جای خودش کیانوش عیاری جوان تر است و البته که نمی خواهم قیاسی کنم اما به نظر می آید که نوع نگاه او و اینکه هر پلانش حرفی برای گفتن دارد من را همیشه به یاد کیانوش عیاری می اندازد.

بازیگرانی که صاحب ادعا، اسم و جایگاهی هستند در مقابل بازیگرانی که به لحاظ سنی ممکن است خیلی از آنها پایین تر باشند چقدر انعطاف نشان می دهند و چقدر با کارگردان همراهی می کنند؟ شما تیم بازیگری فیلم «بی همه چیز» را در حین کار دیدید و چقدر مشاهده کردید که با محسن قرایی همراه هستند و به نظرات او به عنوان کارگردان گوش می کنند و آن را انجام می دهند؟ چرا که شاید بازیگران جوان تر که متعلق به دهه های شصت و هفتاد هستند، خیلی بیشتر در اعمال نظرات خودشان سرکش باشند.

بله، جوان ها بالاخره نسل بالنده ای هستند و پر از ایده ها و اندیشه های نو هستند و به همین خاطر اصرار می کنند و بر نظراتشان تأکید دارند اما من در فیلم «بی همه چیز» ندیدم که چنین مسأله ای پیش بیاید ولی برای مثال فرض کنید که تعامل بین استادی مثل پرویز پرستویی یا بازیگر ارزشمندی مثل هدیه تهرانی یا بازیگران جوان عالی بود و همین توقع هم می رود و ما همیشه در سینما و تلویزیون شاهد این تعامل هستیم.

می بینید و نظرتان در این باره چیست؟

از ویژگی های یک اثر هنری خوب همین است که انگار همیشه با لحظه لحظه حیات مردم سر و کار دارد و انگار که جامعه را همان لحظه دارد نگاه می کند. شما شعر حافظ را هم که مرور می کنید می بینید که انگار همین امروز سروده شده است. در واقع انگار که حافظ دارد نگاهمان می کند و می گوید که: «چرخ برهم زخم از غیر مرادم گردد/ من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک» و یا هر چیز دیگری. یعنی انگار که دارد ما را نگاه می کند و انگار که حضور دارد. این مورد از ویژگی های اثر هنری ریشه دار است و «ملاقات بانوی سالخورده» هم جزو همین آثار است. ما در زمان قبل از انقلاب هم یک اجرا دیدیم و انگار که برای همان زمان بود و فکر می کنم که صد سال دیگر هم یک اجرا ببینیم و انگار که برای همان زمان است. درباره اینکه چقدر از آن تأثیر گرفتم باید بگویم که من از همان موقعی که برای اولین بار این اثر را در زمان قبل از انقلاب خواندم تأثیر گرفتم و انگار از همان موقع با این کار بدویستان داشتم و همیشه هست. همان طور که آدم با شاهنامه، مولانا و آثار بزرگ بدهیستان دارد، به همان شکل با این اثر هم داشتم. یعنی این اثر برای من همیشه خیلی غنی بوده است. نگاه جامعه شناسانه و یا در واقع باید بگویم که انسان شناسانه ای دارد، چرا که انسان را در شرایط قرار می دهد و تحلیل می کند.

شما سه مدل سینمای واقع گرا و رئال را با سه کارگردان خوبی که اسم هر سه در سینمای ایران برند است مثل هومن سیدی، اصغر فرهادی و محسن قرایی تجربه کرده اید. چون شما هم کارگردانی کرده اید، می خواهیم این سؤال را بپرسیم که فرم و ساختار ذهنی شما به سبک کدام فیلمساز نزدیک تر است و احساس



من هنوز هم بسیار تحت تأثیر اصغر فرهادی هستم و در واقع شیفته ی کار او-هم کار کارگردانی و هم نگاهش- هستم. او به عنوان یک کارگردان مؤلف و صاحب نظر و کسی که حرفی برای گفتن دارد و حرف هایش بی حساب و کتاب نیست



محسن قرایی برای اینکه کسی بخواند اظهار نظر کند خیلی منعی نداشت و مخصوصاً نظرات بازیگرانی مثل پرویز پرستویی، هدیه تهرانی و ... به راحتی اعمال می شد و خود محسن قرایی با خوش رویی از این مسأله استقبال می کرد منتها آنچه که ما می دیدیم این طور بود که این مسأله آن قدری تکرار نمی شد و پیش نمی آمد. یعنی برای مثال خود پرویز پرستویی آن قدری نمی گفت که اینجا را این طور بگیریم و اصلاً چنین چیزی پیش نمی آمد اما گاهی اگر کسی اظهار نظری داشت به نظر می آمد که منعی برای این مسأله وجود ندارد.

فیلم «بی همه چیز» نقد خیلی صریحی به مردم دارد و خیلی مناسب این روزهای ماست که بی اعتمادی خیلی زیاد است و آدم ها خیلی راحت شاهد و ناظر زمین زدن شخص دیگری هستند

و حتی از این موضوع خیلی هم ناراحت نمی شوند. شما به لحاظ محتوایی چقدر با «بی همه چیز» همراه هستید و چقدر باعث تأملتان شد؟

این فیلم را چقدر مناسب روزگار فعلی و اتفاقاتی که در فضای مجازی ما می افتد و خشونت های که در فضای مجازی علیه بعضی از آدم ها وجود دارد

